

درباره داستان‌ها و کتاب‌هایی که جاسوس‌ها در آن نقش اول هستند

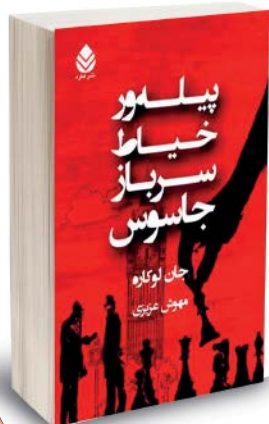
ستون پنجم ادبیات

هیس! جاسوس‌ها می‌شنوند، باید مراقب بود. آنها همه جا حضور دارند. «دیوار موش داره، موش هم گوش داره» و... همه حکایت از این دارد که ماجرای جاسوس‌ها ماجرای جدی و غم‌انگیزی در زندگی بشر است که در میان افراد دهان به دهان گشته و پایش به ضرب المثل‌ها و مثل‌های عامیانه باز شده است. جاسوس بودن برای هیچ‌کس لقب و عنوان جذابی نیست، حتی جاسوس‌ها از این که جاسوس خطابشان کنند دل خوشی ندارند و تلاش می‌کنند هرطور شده از این اتهام دوری کنند، اتهامی که یک سر آن در واقعیت است و آن واقعیت ریشه در خیانت دارد. جاسوس‌ها خائنان حرفه‌ای و کارکشته‌ای هستند، آنها در لباس میش به گرگ‌گرای گله را می‌دهند تا سر فرصت بره‌ها را قربانی کند! هیچ‌کس از آنها خوشش نمی‌آید و حتی همان‌هایی که از خدمات جاسوسی‌شان استفاده می‌کنند نیز در اولین فرصت کلکشان را می‌کنند. این سرنوشت حتمی جاسوس‌هاست، هیچ‌کس دوست‌شان ندارد. با این حال و با توجه به سرگذشتی که جاسوس‌ها در عالم داشته‌اند باز هم می‌بینیم عده‌ای دلشان می‌خواهد جاسوس باشند، جاسوسی کنند و مثل یک جاسوس زندگی کنند و بمیرند. احتمالا این سؤال در ذهن تان ایجاد شد که چطور ممکن است یک نفر از جاسوسی کردن و به شیوه جاسوس‌ها زندگی کردن (اغلب مخفیانه و در سایه) و به طور کلی جاسوس بودن خوشش می‌آید، اگر دنبال جوابی برای این سؤال هستید چند کتاب برای پیشنهاد آماده کرده‌ایم که با آنها سری به دنیای جاسوس‌ها بزنید تا بهتر بتوانید در تجربه آنها شریک باشید. این موضوع آن قدر جذاب بوده که حتی داستان نویسنده‌ها نیز سراغش رفته‌اند، اصلا به خاطر لایه‌های پنهان شخصیت جاسوس خوراک داستان‌های رازآلود است تا خواننده را به کشف رمز بکشانند و او را در دنیایی تجربه نشده قرار دهد. البته کتب مستند نیز در این زمینه بسیار است که در ادامه چندتایی از آنها را با هم مرور می‌کنیم.

سعید کربلایی عباس

روزنامه نگار

پيله‌ور، خياط، سرباز، جاسوس

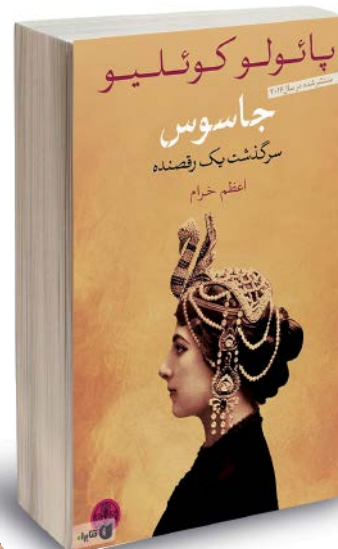


اگر دنبال کار جدی و پیچیده هستید این رمان را در ذهن تان آن گوشه و کناره‌ها نگه دارید. رمانی از جان لوکاره، نویسنده برجسته ژانر جاسوسی و معمایی که هر خواننده‌ای را با آثارش مجذوب و مقهور می‌کند. در کتاب‌های او خبری از پایان خوب و روشن نیست، روابط انسانی بر داستان حاکم است و افراد و شخصیت‌های داخل داستان اشتباهاتی دارند که آنها را باورپذیر می‌کند. داستان‌های او از واقعیات جامعه و کاستی‌های سازمان‌های جاسوسی نوشته شده است و هر خواننده‌ای می‌تواند در مواجهه با داستان خود را در تقابل با افراد و حتی جاسوس‌ها به محک بگذارد. این داستان و نامش درباره یک اسم رمز عملیاتی است که باید جاسوس به واسطه خود آن را آن سوی دیوار آهنین معرفی کند، جزئیات داستان در مهیج و پیچیده شدن داستان تاثیر بسیاری دارد.

جاسوس

پائولو کوئیلو به همین صراحت سراغ یک جاسوس رفته و با مایه‌هایی از مستند یک رمان نوشته و شخصیت یک فرد متهم به جاسوسی را برای خوانندگان بازگو کرده است. صراحتی که از روی جلد آغاز می‌شود و تا لایه‌های زیرین شخصیت داستان نفوذ می‌کند. ماتهاری، در پوشش رقص به بزرگ‌ترین جاسوس زن جهان تبدیل می‌شود. او با جاسوسی اروپا را به زانو درمی‌آورد. او در جریان جنگ جهانی اول در خاک فرانسه برای آلمان‌ها جاسوسی می‌کرد و همین سبب شد او از بسیاری از حقوقش از جمله سرپرستی کودکش محروم بماند و در نهایت در برابر جوخه اعدام فرانسوی‌ها رقص مرگ را در پیش بگیرد. نویسنده پاره‌هایی از زندگی او را در کنار هم می‌گذارد تا سرنوشتی را نشان دهد که جنگ بر سر افراد آورده و البته برای مخاطب کم حوصله امروز نیز تمهیداتی اندیشیده که در کنار آنها بتواند مخاطب را پای روایتش بنشاند، او با زبانی بسیار ساده، روان و جذاب بر مبنای اطلاعات موجود، بخشی از زندگی ماتهاری را به تصویر می‌کشد. در این کتاب، کوئیلو از سبک عرفانی معمولش فاصله می‌گیرد و تلاش می‌کند بدون جانبداری و دخل و تصرف در حقایق زندگی ماتهاری، زندگی مرموز او را روایت کند. زندگی مرموزی که او را به یکی از جاسوس‌های تاثیرگذار در تاریخ اروپا تبدیل کرده است. جاسوسی که پس از اعدام سرش در موزه‌ای در فرانسه نگهداری می‌شد ولی پس از مدتی سر او ناپدید شد. همه این اتفاقات سبب شده که رمان کوئیلو درباره زندگی هاری تبدیل به اثری رازآلود شود. اثری که هر خواننده‌ای می‌تواند با آن ساعاتی زندگی کند. گرچه روایات پنهانی در زندگی ماتهاری وجود دارد که در جاسوس شناخته شدنش بی‌تاثیر نیست، اما هیچ وقت به طور کامل جاسوس بودن او محرز نشد و آلمانی‌ها هم هرگز این موضوع را تایید نکردند. حتی اسناد دیگری نشان از آن دارد که او در واقع یک جاسوس دوگانه بوده و در این راه قربانی شده است. قربانی خاموش کردن خشم مردم از تلفات بسیاری که

در طی جنگ جهانی اول رخ داد. در تاریخ بارها اتفاق افتاده است که با برپایی محاکمه‌های نمایشی در میان مردم، با بریدن سرها توسط گیوتین یا اعدام کردن مجرمان به عنوان یک سرگرمی خونین، می‌توان حواس مردم را از جنگ و اشخاص پشت پرده پرت و آنها را آرام کرد. از آنجاکه ماتهاری اهل سفر کردن بوده، سرویس جاسوسی آلمان از او می‌خواهد تا در ازای پول، اطلاعات متفقین را در اختیارشان بگذارد. طبق گزارش‌ها بعد از آن دوران از ماتهاری خواسته شد علیه نیروهای متفقین در جنگ جهانی اول جاسوسی کند. شایعه‌هایی وجود دارد که اقدامات جاسوسی او به مرگ ۵۰ هزار سرباز منجر شده است. در سال ۱۹۱۷ فرانسوی‌ها این زن را تیرباران می‌کنند.



پنج دوست کمبریجی من

درباره گروه کمبریج کتاب‌های زیادی در غرب و به خصوص در بریتانیا چاپ و منتشر شده است، با این وجود این کتاب سر و صدای زیادی به پا کرد و به فاصله کوتاهی در کشورهای غربی ترجمه و منتشر شد. این کتاب روایت چگونگی شکل‌گیری و فعالیت گروه موسوم به جاسوسان کمبریج است و پرده از اسرار عجیب‌ترین ماجرای جاسوسی قرن برمی‌دارد. اما در اینجا دو نکته را نباید از نظر دور داشت، این کتاب را یوری ایوانوویچ مودین، مامور اطلاعاتی شوروی و رابط و دوست پنج کمبریجی نوشته است. بنابراین

چه بسا خالی از پیشداوری و برداشت‌های نادرست و جانبدارانه نباشد. پی بردن به حقیقت هر واقعه تاریخی تنها با نگریستن از تمامی زوایا میسر می‌شود. از این نظر، «پنج دوست کمبریجی من» کتابی است که سندیت تاریخی دارد، چون از زاویه دید دستگاه اطلاعاتی شوروی به ماجرا می‌نگرد و به همین دلیل تا حدی به روشن شدن حقیقت کمک می‌کند، اما دقیقا به همین دلیل باید اطلاعات مندرج در این کتاب را با احتیاط پذیرفت و طبعاً نباید آن را تمام حقیقت پنداشت. درست است که این کتاب بعد فرو ریختن اتحاد شوروی نوشته شده، اما باید دانست که نویسنده آن رئیس انجمن کمک به افسران سابق کا.گ.ب بوده است. به هر حال پنج دوست کمبریجی من کتابی است بسیار خواندنی و حتی می‌توان آن را نوعی رمان جاسوسی به شمار آورد، کتابی که مانند آثار گراهام گرین، فردریک فورسایت و جان لوکاره جذاب و هیجان‌انگیز است.

